

سارا نیکو

جمهوری اسلامی و پروژه "با یک گل بهار نمیشه" !

اخیرا "طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده" از سوی تعدادی از نمایندگان مجلس با هدف افزایش جمعیت در ایران به این نهاد ضد مردمی ارائه شد. به دنبال این امر این روزها اهالی تهران شاهد نصب تابلوهای تبلیغاتی ای با عنوان "با یک گل بهار نمیشه"، "فرزند بیشتر ، زندگی شادتر" در گوشه و کنار شهر هستند. این تابلوها که از سوی "خانه طراحان انقلاب اسلامی" طراحی شده است با نگاهی آشکارا زن ستیزانه و مردسالار در تلاش است تا مردم را به داشتن فرزند بیشتر تشویق کند. بر اساس این تبلیغات قرار است که جامعه فلاکت زده ما از خطر پیامدهای "جامعه پیر" آگاه گشته و به وحشت انداخته شود تا انگیزه تولید فرزندان بیشتر در مردم افزایش یابد.



دست اندرکاران این طرح دلیل راه اندازی چنین پروژه ای را میزان کاهش باروری در ایران اعلام کرده اند، که به قراری در حال حاضر شاخص آن به ۲/۱ رسیده است و به ادعای آن ها اگر همین روند ادامه پیدا کند، بین سال های ۱۴۱۵ تا ۱۴۲۰، یعنی حدود ۳۰ سال دیگر ، رشد جمعیت ایران به صفر می رسد و در چنین حالتی جمعیت ایران بسیار سالخورده خواهد شد. بنابراین با پیشنهاد خامنه ای مبنی بر اینکه "لازم است در سیاست کنونی جمعیت تجدید نظر شود" چنین طرحی تهیه شده و از همه نهاد های رسانه ای منجمله صدا و سیما جمهوری اسلامی خواسته شده که با "فرهنگ سازی" این مسئله را در راس برنامه های تبلیغاتی خود قرار دهند. همچنین از وزارتخانه های آموزش و پرورش، و حوزه های علمیه نیز خواسته شده تا با تهیه کتاب های درسی "سبک زندگی سالم و خانواده متعالی" را به دانش آموزان یاد دهند و آنان را تشویق به ازدواج در سنین جوانی و فرزندآوری بیشتر کنند.

نگاهی به شرایط اقتصادی اجتماعی موجود که رژیم جمهوری اسلامی در چارچوب آن به سیاست تشویق افزایش جمعیت دست یازیده است، ماهیت ضد خلقی و عواقب فاجعه بار این سیاست را بطور برجسته ای نشان می دهد. همه می دانند که در سایه سیاست های چپاولگرانه نظام حاکم ، فقر و بیکاری و گرانی شرایط زندگی اکثریت مردم ، جامعه را به نیستی و نابودی کشانده و هر روز دامنه زندگی در زیر خط فقر گسترده تر میشود. آیا در زیر سلطه جهنمی دیکتاتوری حاکم و فقر و فلاکت روزافزون برآستی قرار است که این "فرزندان بیشتر" باعث "زندگی شادتر" شوند و یا برعکس شکم های گرسنه دیگری را به گرسنگان موجود اضافه کنند؟ رژیمی که اکثریت ۷۵ میلیون ایرانی را در شرایط فقر و فلاکت جهنمی زیر سرنیزه سرکوب خود نگه داشته ، امروز آرزوی ازدیاد جمعیت به ۱۵۰ میلیون نفر و تأمین نیروی کار ارزان برای سرمایه داران را در سر می پروراند. در شرایطی که خود سردمداران جمهوری اسلامی و آن هائی که از نظر این دیکتاتوری خون آشام "خودی" تلقی می شوند ، خودشان اعتراف می کنند که: "در سال های اخیر با اجرای نادرست و غیرعلمی طرح هدفمند سازی یارانه ها، طبقه متوسط را فقیر کرده ایم و خط فقر را بالا برده ایم" (*) در شرایطی که جوانان مملکت از بیکاری جانیشان به لب رسیده است و امواج لشکر بیکاران هر گوشه و کنار این کشور را در نورددیده است، در شرایطی که در فضای بس آلوده پایتخت که از تراکم جمعیت در حال خفگی است جمعیت موجود امکان تنفس را هم دارند از دست می دهند، "ولی فقیه" ددمنش جمهوری اسلامی نگران "پیر شدن" جامعه شده و دستور بالا بردن جمعیت صادر می کند. آن هم در شرایطی که یکی از بزرگترین دستاوردهای شان در ۳۰ سال گذشته، کسب دومین رتبه در جهان در مصرف مواد مخدر می باشد!

طراحان این پروژه بی توجه به عواقب فاجعه بار افزایش جمعیت در چارچوب نظام استثمارگرانه موجود می کوشند تا با توسل به چنین طرح هائی مسئله فرزند بیشتر را به مسئله اصلی جامعه تبدیل کنند. اگر در نظر بگیریم که بر طبق آمارهای رسمی خودشان نرخ بیکاری در جامعه هرروز افزایش پیدا کرده و برای جوانانی که پدران و مادرانشان با هزار بدبختی شرایط تحصیلی آن ها را فراهم می کنند ، اساسا شغلی یافت نمی شود و اکثر این جوانان بعد از اتمام تحصیل به اردوی بی شمار بیکاران جامعه می پیوندند، آنوقت متوجه می شویم که با این طرح در آینده تنها ارتش بیکاران پر جمعیت تر شده و از این طریق نیروی کار هر چه ارزان تری در اختیار سرمایه داران قرار خواهد گرفت. آن ها خود به این واقعیت که در جامعه امروز فرصت های شغلی از جوانان گرفته شده است اعتراف دارند. در ماده ۹ این طرح نیز چنین آمده:

"در کلیه بخش های دولتی و غیر دولتی اولویت استخدام به ترتیب با مردان دارای فرزند و سپس مردان متاهل فاقد فرزند و سپس زنان دارای فرزند می باشد. به کارگیری یا استخدام افراد مجرد واجد شرایط در صورت عدم وجود متقاضیان متاهل واجد شرایط بلامانع است"

در زمانی که امکان اشتغال را از بخشی عظیمی از جوانان جامعه سلب کرده اند در شرایطی که اساسا حتی بدون این طرح و این ماده هم اکثر جوانان قادر به پیدا کردن شغل و تشکیل زندگی مستقل نمی باشند ، این ها درصدد حکم دادن برای ازدیاد جمعیت بر می آیند!! وقتی جوانان ما از امکانات شغلی و مالی حتی برای اداره زندگی خودشان هم محروم می باشند چگونه میتوانند خانواده تشکیل دهند و اگر هم در شرایطی زیر چتر حمایتی خانواده شان توانسته اند ازدواج کنند ، چگونه میشود در چنین شرایط نامناسب اقتصادی ، انتظار بوجود آوردن چندین کودک را از آنان داشت؟ در شرایطی که برای تأمین مایحتاج زندگی ، زن و مرد هر دو مجبور به کار در خارج از خانه می

باشند ، آن هم در بسیاری موارد که مجبور به اتخاذ چند شغل هستند ، چگونه میتوان انتظار بوجود آوردن و تامین مخارج زندگی و تربیت و پرورش چند فرزند را از آنان داشت؟

البته جای نگرانی نیست ، زیرا این رژیم ضد خلقی که برای زندگی توده های مردم پشیزی ارزش قائل نیست و تنها به فکر افزایش سود سرمایه داران و تأمین نیروی کار برای جامعه سرمایه داری است، برای رفع این مشکل هم "چاره اندیشی" کرده است ، چنانچه در ماده ۳۶ این طرح آمده:

"دولت مکلف است پس از عقد نکاح دائم، به هر یک از زوجین یک عدد سکه بهار آزادی و به ازای هر یک از فرزندان سوم به بعد از آن، یک سکه بهار آزادی به مادر هدیه دهد."

به این ترتیب قرار است که مشکل جوانان با اهدا یک عدد سکه بهار آزادی برایشان حل شود. و تازه ، چون بچه اول و دوم هم کافی نیستند و از آن جایی که در رژیم جمهوری اسلامی "با یک گل بهار همیشه ولی با سه گل بهار میشه" ، بعد از به وجود آمدن بچه سوم به بعد ، این "موهبت الهی" یعنی اهدا یک عدد سکه بهار آزادی شامل حال خانواده میشود !

براستی در شرایطی که همین امروز بیش از ده هزار کارگر کارخانه ایران خود رو در اعتراض به شرایط وحشتناک کار و پایین بودن سطح دستمزد شان دست به اعتصاب زده اند ، وقتی که کارگران نیشکر هفته تپه دو ماه است حقوق نگرفته اند و به همین دلیل هم نمی دانند چگونه با معضلات مقابل زندگی شان روبرو شوند ، وقتی که در هر گوشه این جامعه فغان مردم از گرانی و گرسنگی بلند شده است ، این کدام بخش از جامعه است که قرار است خوش و خرم ، پنج فرزند خود را بر ترک دوچرخه اش بنشانند و به پیک نیک در پارک های خوش آب و هوای پایتخت برود؟ مسلما مد نظر ارائه کنندگان این طرح و تابلو، پولدارها و آقا زاده های بالای شهر نمی توانند باشند ، زیرا خودشان هم می دانند که آن ها نیازی به سکه بهار آزادی و وعده های این چنینی ندارند و با لوکس ترین ماشین های آخرین مدل فرزندان شان را به فرودگاه می برند و محل تفریح شان هم نه پارک های آلوده شهر بلکه کشورهای اروپایی و جزایر آن چنانی می باشند.

از سوی دیگر اگر فرزند بیشتر منطقا به تصمیم پدر و مادر بستگی دارد ، اما در نگاه مبلغین این طرح چیزی که اساسا مطرح نیست نقش زن و مادر می باشد ! با نگاهی به پوستر تبلیغاتی ای که در این زمینه درست شده است ، براحتی میشود بر دیدگاه مرد سالار غالب بر ارائه دهندگان این طرح پی برد. در این تابلو پدری با ۴ فرزند پسر و یک فرزند دختر ، خوش و خرم و احتمالا با شکمی سیر و فارغ از غم گرانی و بیکاری ، سوار بر دوچرخه از هوای سالم شهر لذت می برند ! در حالی که حتی اثری از زنی که قرار است مادر این ۵ فرزند بوده باشد در پوستر دیده نمی شود! در این تابلو در حالیکه مردی که ۵ فرزند دارد شاد و خندان جلوه داده شده اما بر عکس در گوشه دیگر پوستر ، پدری با تنها یک فرزند پسر ، غمگینانه بسوی سرنوشتی نا معلوم پا میزنند! تبلیغاتی که نشان می دهد در ذهن عقب مانده و ارتجاعی سران جمهوری اسلامی زنان حتی در تبلیغات افزایش فرزند هم جایی را اشغال نمی کنند.

این در حالی ست که بر طبق آمار دولتی ، بیش از ۱۲ در صد از خانواده های ایرانی را زنان تنها سرپرست خانواده تشکیل میدهند که تنها در ۵ سال گذشته ۹۰۰ هزار تن به این بخش از زنان جامعه اضافه شده است. رقم زنان تنها سرپرست خانواده اکنون به بیش از ۲/۵ میلیون تخمین زده میشود. که تعداد قابل توجهی از اینان زنان بیوه زیر سن ۱۸ سال می باشند که همسران خود را بر اثر اعتیاد از دست داده اند.

در شرایطی که فقر و تهی دستی در جامعه بیداد میکند ، بدون شک چنین طرحی اگر واقعاً عملی شود درحالی که کل جامعه تحت سلطه ما را بسوی فقر و فلاکت و محرومیت بیشتر سوق خواهد داد به هر چه وخیم تر شدن زندگی زنان نیز دامن زده و زنان بیشتری را به قعر فقر و ناکامی خواهد کشاند. زنان کارگر و زحمتکش ، زنان تنها سرپرست خانواده که کمرشان زیر فقر ناشی از سیستم ظالمانه اقتصادی حاضر خرد شده است ، باز هم ضربه های بیشتری را از چنین پروژه هایی خواهند خورد. همچنین، چنین طرحی در صورتی که به صورت قانون در آمده و جنبه عملی پیدا کند بدون شک دست کارفرمایان را جهت بهره وری هر چه بیشتر از کار زنان باز خواهد گذاشت و زنان را مجبور خواهد کرد که نیروی کار خودشان را حتی ارزانتر از امروز در اختیار کارفرمایان قرار دهند. امری که بدون شک تاثیر بسیار وحشتناک خود را بر زندگی مردان کارگر نیز خواهد گذاشت. در چنین شرایطی کارفرمایانی که در شرایط رکود اقتصادی بدنبال سود هر چه بیشتری می باشند نیز از این فرصت بدست آمده برای تنزل سطح حقوق کارگران مرد استفاده خواهند کرد. بنابراین، نیاز به کنکاش بیشتری در وضع جامعه نیست تا معلوم شود اثرات طرح فوق تا چه حد مغایر با تبلیغاتی است که رژیم امروز به راه انداخته است. همه واقعیات گویای آنند که در شرایط سلطه دیکتاتوری ضد خلقی جمهوری اسلامی طرح "فرزند بیشتر" هیچ "زندگی شادتری" را به ارمغان نمی آورد و اساساً تا زمانی که این رژیم ارتجاعی با هر جناح و دسته اش به دست پرتوان کارگران و زحمتکشان از بیخ و بن سرنگون نشود هیچ شادی برای خلق های دربند ایران به وجود نخواهد آمد.

آذر ۱۳۹۲ - دسامبر ۲۰۱۳

(*) خبرگزاری دانشجویان ایران - دوشنبه ۲۹ مهر ماه